

گفت‌وگو با رحیم رسولی، شاعر و طنزپرداز

محبوبیت در حاشیه

◀**علیرضا عباسی- ستار جابعلی‌پور**

– بسیار مایه خرسندی است که به‌رغم میل باطنی سرانجام به مصاحبه راضی شدید.

من همیشه از مطبوعات و رسانه‌ها فراری‌ام. دلایل زیادی دارد که الان هیچ کدام را به خاطر ندارم. شاید احساس می‌کنم در شرایط عادی نوعی تخلیه است و در شرایط غیرعادی نوعی بی‌اعتمادی.

بسس که ترسیده است چشم غنچه از غارتگران

پای بلبل را خیال دست گلچین می‌کند
شاید هم به خاطر اینکه معتقد هنر باید
ذرذره به جامعه تزریق شود نه اینکه به خاطر روحیه اقتدارگرایی و خودمداری ما به جامعه تحمیل شود. به هر حال در هر وضعیتی و یا هر شرایطی ما طلبکار هیچ کس و هیچ چیز نیستیم و این مردم و جامعه‌اند که از ما طلبکارند.

– پس شما هم به گفته میشل فوکو به برتری حاشیه بر متن معتقدید؟

البته هرازگاهی در گوشه و کنار جهان اتفاقاتی می‌افتد که موازنه‌ها را به هم می‌ریزد و مدیریت حاشیه بر متن را زیر سوال می‌برد با این حال محبوبیت در حاشیه بهتر از معروفیت در متن است.

–چه تعریفی از طنز دارید؟

تعاریف بسیاری از طنز تاکنون ارائه شده از جمله اعتراضی هنرمندانه، تقابل نامتعارف‌ها، همنشینی اضداد، هنر اندیشه، نمک ادبیات و… که تعهد ادبیاتی آن استهزای پلشتی‌ها، ناراستی‌ها، دغلکاری‌ها، نقد حماقت‌ها و ظلم و فساد است که با خشم آمیخته به چاشنی شوخی باعث ایجاد شگفتی و هیجان می‌شود و تعریف ایرانی‌ترش را هم استاد داوری‌اردکانی ارائه دادند که طنز را بر ملا کردن حماقت آشکاری که دیده نمی‌شود معرفی کردند. اما

به نظر می‌رسد در میان همه این تعاریف آشکار، چیزی پنهان است که به‌رغم موهبت تکنولوژی که همه پنهانکاری‌های دنیا را برملا کرده و شوخش را به ریشش کنشیده هنوز دیده نشده و آن هم انسان امروز است. با همه دغدغه‌های پیچیده‌ها و تقابل ناهمگونی‌ش با پارادوکس‌های موجود که شاخک‌ار طنز را در عالم هستی رقم زده است و اگر ببپذیریم که از چیزی نیست جز اندیشه که تثبیت موجودیتش در گرو نقد و پرسشگری است، عمق فاجعه و تمامیت طنزش در اینجااست که نقد و پرسشگری فقط در سایه دموکراسی امکان‌پذیر است که هنوز هیچ جامعه‌ای آن را به طور کامل تجربه نکرده است و چون وجه اشتراک

همه این تعریف‌ها در مورد طنز کلمه اعتراض است، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

–آیا اصطلاح **شعر طنز** را می‌پذیرید یا تفاوتی بین شعر و طنز قائلید؟

همین طور که از ترکیب جمله پیداست اول شعر باشد. با همه بی‌تعریفی‌اش در دنیای معاصر. فقط اگر بپذیریم شعر هم مثل هر مخلوق دیگر تنها در گفت‌مان با خواننده هویت می‌گیرد و موجودیت خود را به رخ می‌کشد. با این توضیح که امروزه در شگفتی عصر رسانه جاودانگی یک نوشته علاوه بر داشتن ساختار قوی و ساختمان محکم در گرو هنر اندیشه و مومیایی آن توسط طنز هم هست. شاید به همین خاطر است که اکنون برجسته‌ترین آثار قدما و معاصران که در حافظه مخاطبان دیروز و امروز ثبت و ضبط شده دارای پتانسیل طنز است.

–آیا مقوله تعهد در حوزه طنز هم قابل بحث است؟

طنزپرداز یک منتقد اجتماعی با شاخک‌های بسیار حساس است. بنابراین بر خلاف هنرهای دیگر این تعهد علاوه بر اینکه متوجه هنر است، بر دوش هنرمند هم هست. اما این به آن معنا نیست که طنزپرداز پرچمدار اتفاقات و دغدغه‌های خاصی است بلکه او به عنوان دشمن دانای جامعه که فحاش‌اش بهتر از دعای دوست نادان است در جریان همه چیز هست اما با هیچ جریانیت نیست.

–در چنین شرایطی **چطور می‌توان تعامل کرد؟**

نیم‌ا معتقد بود شما به اندازه اندیشه و تفکر‌تان کلمه در اختیار دارید. یعنی تمام دنیای نویسنده کلمه است. از طرفی بر خلاف نحله‌های دیگر ادبیات یک رابطه مستقیم و روانشناختی بین طنزپرداز و مردم وجود دارد. **این روزها از انواع گونه‌های طنز بحث نوعی طنز تحت عنوان طنز موقعیت داغ‌تر است. نظر شما چیست؟**

طنز موقعیت در شرایط فعلی تا حدودی یک موقعیت رسانه‌ای است که بیشتر جنبه اطلاع‌رسانی دارد تا تعهد هنری و گاهی اوقات به قول آرتور بیلار به علت عدم آگاهی از عمق و حرکت در سطح چنان در پیرامون موضوعات کلیشه‌ای مانور می‌دهد که هر آن امکان نزدیکش به دامن ابتذال و آفات دیگر وجود دارد که نزدیک‌ترین و شایع‌ترین آن هجو است که البته در شرایط غیرعادی طرفداران زیادی دارد و بسیاری از بزرگان ادبیات ما در طول حیات ادبی خود حداقل یک بار سراغش رفته‌اند. به نظر می‌رسد در طنز موقعیت بیشتر از اینکه صدای هنر بلند باشد فریاد هنرمند بلند است که به مرور زمان با انقضای تاریخی

◀ **مروان هاشم** ▶

انتشار ناگفته‌های یک زندگی رازآلود

همزمان با نخستین سالمرگ نویسنده امریکایی جی‌دی سلینجر، انتشارات رندوم هاوس کتابی درباره ناگفته‌های زندگی این نویسنده منزوی و مرموز منتشر کرد. در این کتاب کنت اسلانوسکی وجوه تازه‌ای از زندگی سلینجر واقعی را آشکار می‌کند. به گزارش اپینا جروم دیوید سلینجر یکی از محبوب‌ترین، پر مخاطب‌ترین و در عین حال مرموز‌ترین شخصیت‌های تاریخ ادبیات آمریکا بود که به گفته برخی منتقدان، بخشی از محبوبیتش را وامدار همین زندگی اسرارآمیز است چراکه تاکنون اطلاعات اندکی درباره زندگی سلینجر منتشر شده و او با توجه به شخصیت گوشه‌گیر خود همواره تلاش می‌کرد دیگران را به حریم زندگی‌اش راه ندهد. سلینجر در سال ۱۹۱۹ در منهتن نیویورک از پدری یهودی و مادری مسیحی به دنیا آمد. در ۱۸، ۱۹سالگی چند ماهی را در اروپا گذراند و در سال ۱۹۳۸ همزمان با بازگشتش به آمریکا در یکی از دانشگاه‌های نیویورک به تحصیل پرداخت اما نیمه‌تمام رهایش کرد. اولین داستان سلینجر به نام «چوآن» در سال ۱۹۴۰ در مجله استوری به چاپ رسید. چند سال بعد طی سال‌های ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ داستان ناتوردشت به صورت دنباله‌دار در آمریکا منتشر و سپس در سال ۱۹۵۱ روانه بازار کتاب این کشور و بریتانیا شد. در سال ۱۹۹۹ بنگاه انتشاراتی «رندوم هاوس» آن را شصت و چهارمین رمان برتر قرن بیستم معرفی کرد در حالی که در همان زمان (یعنی دهه ۱۹۹۰) «جنجن کتابخانه‌های امریکه» آن را کتابی ممنوعه اعلام کرده بود و در مناطقی از امریکا حتی «مناسبت» و «غیراخلاقی» شمرده می‌شد.
موقعیت این کتاب انتشار آثار موفق دیگری از او را به دنبال داشت، مثل «فرنی و زویی»، «نه داستان» (که در ایران با عنوان «دلنگی‌های نقاش خیابان چهل و هشتم» ترجمه و منتشر شده)، «تیرهای سف را بالا بگذارید نجاران»، «جنگل واژگون»، «هفته‌ای به بار آذمو نیک‌کشه» و «یادداشت‌های شخصی یک سرباز». سلینجر در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۰ به مرگ طبیعی در محل زندگی خود در شهر کوچک کورنیش در نیومپشایر درگذشت.
امسال انتشارات رندوم هاوس همزمان با اولین سالمرگ سلینجر دست به انتشار کتابی جنجالی زده با عنوان «زندگی جی‌دی سلینجر» به قلم کنت اسلانوسکی، که به زعم منتقدانی چون پیتر اکروید تصویری واقعی از سلینجر به ما می‌دهد؛ تصویر سلینجر سرباز، غمگین و رسته از دورخی که آینده‌اش تحت‌الشعاع این حوادث به انزوا و تنهایی کشیده می‌شود. این بیوگرافی محصول مصاحبه‌های فراوان، نامه‌ها و اسناد عمومی است و نزدیک یک قرن زندگی و تاثیر سلینجر بر خوانندگان قرن بیستمی را دنبال می‌کند. اسلانوسکی در این کتاب نگاهی دارد به ابعاد پنهان زندگی سلینجر.

سال پنجم ■ شماره ۱۱۷۳ ■ یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۹

رحیم رسولی به گواه فعالیت‌های ادبی و آثاری که در حوزه ادبیات طنز ارائه کرده، در عرصه شعر و ادبیات طنز کشور چه‌رای سرشناس و شاخص به شمار می‌آید. علاوه بر آثار طنز، سروده‌های وی در حوزه شعر جدی نیز دارای قابلیت‌های منحصر به فردی است که برگرفته از توانمندی‌هایش در شناخت شعر و نیز ذهن پروز و نگاه نافذ وی به واقعیت‌های پیرامونش است. بن‌مایه و محتوای آثار رسولی در آثارش چه در حوزه طنز و چه در شعر جدی نگاهی انسان‌سندار و اجتماعی است، همچنان که اگر با وی از نزدیک روبرو شده باشی درخواهی یافت که واقعیت اخلاقی و روحیه شاعرانه وی نیز استوار بر چنین خصایصی است. گستردگی حوزه مطالعاتی وی در ادبیات کلاسیک و نو ایران و از طرفی در حوزه نظری ادبیات امروز و نیز

مواجه شده و خاموش خواهد شد.

–آیا همان‌طور که میلان کوندرا گفته **هنوز هم طنز عذاب آور است؟**

طنز برخلاف هنرهای آخر آثار مکتوبی را در حوزه شعر جدی، طنز و نیز دیگر (چون از طنز جدی‌تر باز هم خودش است) به هیچ گونه مرزبندی بین مخاطب خاص و عام معتقد نیست به همین دلیل جاذبه یارگیری و استعداد لشگرکشی‌اش بسیار بالاست و در ایجاد جمهوری شاد خود بیشتر با قلب‌ها و نظر میلان کوندرا هم صادق است. **–اخیراً مشاهده شده بعضی از غزلسرایان یا به تعبیر دیگر جدی‌سرایان هم به طنز رو آورده‌اند. شما علت آن را در چه می‌دانید؟**

همان‌طور که می‌دانید فقدان تفکر و رنج مضامین تکراری و مغایر با زندگی بشری موجب دوری بعضی از شعرها و شاعران سنتی از جامعه و بالعکس شده به طوری که اکنون به جرات می‌توان گفت بخش وسیعی از این مجموعه فاقد مخاطب حرفه‌ای بوده و تنها گاهی در سایه سیستم‌های حمایتی تربیون دارند. در چنین شرایطی بیرون خریدن از سایه و حضور یافتن در جاهای شلوغ کاملاً طبیعی و موجه به نظر می‌رسد. بدیهی است جامعه طنز هم این رویکرد را به فال نیک گرفته و آن را امتیاز دیگری برای خود و مخاطبانش می‌داند. فقط خدا کند نخواهند با تکیه بر تجربیات و اندوخته‌های به اصطلاح ادبی‌شان راه کاسبکارانه در پیش گرفته و به دنبال معامله‌گری با این نوع ادبی (طنز) باشند. هر چند برای عمل آ‌پاندیس داشتن دکترای حقوق کافی نیست!

–آیا اصطلاح **شاعران دولتی و غیردولتی در حوزه طنز هم قابل بحث است؟**

یکی به شاعر نام‌آشنای معاصر زنده‌یاد حسین منزوی گفته بود ما که با هم شروع کردیم چطور شد شما الان از بزرگان هستید و ما را کسی تحویل نمی‌گیرد؟ منزوی در جواب گفته بود شما در کنار زندگی‌تان هی، شعر هم گفتید و من در کنار شcream هی، گاهی هم زندگی کرده‌ام. متأسفانه بخشی از آسیب‌هایی که به این حوزه وارد می‌شود از ناحیه هنرمندان تشریفاتی و مجموعه ادبیات اداری است که به مرور زمان به واسطه هماهنگی با محیط و پذیرش روزمرگی کم‌کم هنرشان در اولویت دوم قرار گرفته و سلاسه‌لانه به دنبال زندگی‌شان حرکت می‌کنند. نگاه مدیریتی و مقرراتی، تفکرات سازمان‌یافته و عدم ریسک‌پذیری که مغایر با روح هنر مدرن و روحیه اعتراضی طنز است باعث ایجاد شکاف و فاصله بین آنها با جامعه و مردم و نهایتاً تأخیر در پذیرش سفارشات اجتماعی می‌شود و به

◀ **چهره هاشم** ▶

فرانسه بدون سلین در سال ۲۰۱۱

اقدام وزارت فرهنگ فرانسه در حذف مراسم پنجاهمین سالگرد درگذشت لویی فردینان سلین از تقویم ملی فرانسه اعتراض نویسندگان فرانسوی را برانگیخت. به گزارش اپینا به نقل از خبرگزاری فرانسه بار دیگر فردینان سلین در فرانسه خبرساز شد و اعلام خبر حذف مراسم سالگرد سلین از فهرست برنامه‌های ملی فرانسه که روز گذشته از سوی فردرک میتران وزیر فرهنگ مطرح شد، جنجالی به پا کرد. روز گذشته به صورت ناپایارانه‌ای نام فردینان سلین در کنار نام‌هایی چون فرانس لیست (موزیسین رمانتیک) و ژرژ میمیدو (رئیس‌جمهور اسبق فرانسه) در لیست مراسم ملی فرانسه سال ۲۰۱۱ دیده نشد. میتران گفت: «با اراده‌ای جدی و نه بر پایه احساسات تصمیم گرفتم از برپایی مراسم ملی بزرگداشت لویی فردینان سلین خودداری کنم و چنین تصمیمی به هیچ عنوان هم بی‌احترامی به نظر کمیته عالی (مسئول برپایی مراسم ملی فرانسه) محسوب نمی‌شود.» علت اتخاذ چنین تصمیمی کاملاً روشن است. نوشته‌ها و گزارش‌های ضدیهودی فردینان سلین از گذشته دور تاکنون برای همگان روشن بوده است اما تاکنون کسی چون میتران چنین تصمیم بحث‌انگیزی درباره نویسنده «مرگ قسطنی» و «سفر به انتهای شب» نگرفته بود. بدون شک هیچ کس به اندازه سرژ کلازفلد رئیس انجمن دختران و پسران یهودی اخراج‌شده از فرانسه و مدعی اصلی علیه سلین نمی‌تواند از این خبر بی‌تأثیر باشد. او به خبرگزاری فرانسه می‌گوید: «من به فردرک میتران بسیار تحریک می‌گویم که جرات ابطال اتفاق مسخره‌ای را پیدا کرد که در دوره‌های پیشین انجام می‌شد.» فردینان دو سلین نوشته‌های بسیاری را علیه یهودیان اروپایی منتشر کرده بود. میتران نیز در حاشیه کنفرانس مطبوعاتی می‌گوید: «برای اتخاذ چنین تصمیمی تحت فشار هیچ نهادی نبوده‌ام و اقدامی تکلیفی است بر دهم.» از طرفی هائری سلین ضمن ابراز ارزش تقدیر و «من فکر می‌کردم چنین گردن من که باید انجم گذار منحصر فردینان تاسف از این تصمیم و بی‌احترامی به نظر شریعتی گفت: جامعه فرهنگی در افغانستان جزء اقشار پردرآمد نیستند و نمی‌توانند کتاب‌ها را با قیمت بالا تهیه کنند. ارائه کتاب با تخفیف در کشور ما مرسوم است و تاکنون هم این گونه بوده که مثلاً کتاب‌هایی که از ایران می‌خریدیم تقریباً با همان قیمت خرید به فروش می‌رساندیم ولی با شرایط جدید نمی‌توان این گونه رفتار کرد.

ادبیات ۱۱۷۳ ■ یکشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۹

حوزه تاریخ این امکان را برای او فراهم آورده که اشراف نسبتاً کاملی نسبت به آنها داشته باشد و از همین طریق بتواند برای سؤالاتی که به خصوص در مورد شعر طنز وجود دارد، پاسخ‌ها و تعاریف دقیقی ارائه دهد که بسیار آموزنده و قابل توجه هستند. رسولی در سال‌های اخیر آثار مکتوبی را در حوزه شعر جدی، طنز و نیز داستان کوتاه به چاپ رسانده که در اختیار علاقه‌مندان قرار دارد. روحیه انسانی وی در کنار انرژی سرشارش که با اطلاعات دقیقی در حوزه ادبیات عجین شده این امکان را فراهم ساخت تا گستره بحث در این گفت‌وگو علاوه بر رود به مباحث جدی و دقیق از فضای صمیمانه نیز برخوردار باشد.



قول جان گری کسی که خانه‌اش شیشه‌ای است نمی‌تواند سنگ پرتاب کند.
–**نظر شما درباره جشنواره‌های طنز چیست؟**
شوخی‌ترین بخش پروژه طنزنویسی در ایران همین برگزاری جشنواره‌هاست که هیچ هنری جز تطمیع و تسکین (به فارسی یعنی نان و مسکن) را دنبال نمی‌کند و خارج از شوخی پول خوبی هم می‌دهند و اگر بعضی از شماره‌های رند را در دفترچه تلفنت داشته باشی می‌توانی امیدوار باشی با وجود انصاف انکارناپذیر داوران جشنواره حتماً یکی از برگزیدگان خواهی بود.
–**نقش مسوولان و نهادهای ذی‌ربط در حمایت از طنزپردازان و بالطبع تقویت روحیه طنز در جامعه چقدر اهمیت دارد؟**
دست‌اندرکار باقی بمانند بهتر است تا دست به کاری بزنند که بعضی‌ها فکر کنند دست‌هایی در کار بوده. آن وقت کار دست‌شان بدهند!
–**آینده ادبیات طنز در ایران را چطور می‌بینید؟**
هویت و فرهنگ یک ملت، تاریخ آن

ملت است و تاریخ بدون تحریف یک ملت را می‌توان از آثار مکتوب، خصوصاً حسن قاضی‌مرادی ما در ایران بیشتر با وقایع‌نگاری سر و کار داشتیم تا تاریخ‌نگاری اما همین نیمچه هویت تاریخی ما را بیشتر در آثار طنزپردازان ما خصوصاً در هزلیات و هجویات‌شان می‌توان پی گرفت. اما اگر طنز جایگاه واقعی خود را به عنوان هنر اندیشه پیدا کند و بتواند رندانه از فشارها و موانع در شرایط غیرعادی جامعه که معمولاً با تزریق جوک، قهقهه و ایجاد شادی‌های نمایشی سعی در انحراف جریان طنز و کاهش سطح درخواست‌ها می‌شود، عبور کند با اطمینان می‌توان گفت آینده از آن طنزپردازان است و هویت تاریخی ما سرانجام توسط آنان ثبت خواهد شد.

–**چه توصیه‌ای برای جوانانی که علاقه‌مند به ادبیات طنز هستند دارید؟**

من خود را در آن سطحی نمی‌بینم که به کسی توصیه کنم اما اگر زندگی‌شان را جدأ دوست دارند سراغ ادبیات و اگر اهل شوخی هستند سراغ طنز نروند!

◀ **انتقالی هاشم** ▶

گمرک سد راه کتابخوانی در افغانستان

رئیس تعاونی ناشران و کتابفروشان افغانستان مالیات‌های بالا برای کتابفروشی‌ها و همچنین قانون جدیدی را که محموله‌های کتاب را هم شامل گمرک دانسته، از جمله مشکلاتی می‌داند که به بازار کتاب و کتابخوانی در کشورش لطمه سنگینی می‌زند.

محمدابراهیم شریعتی‌افغانستانی (عرفان) رئیس تعاونی ناشران و کتابفروشان افغانستان به مهر گفت: نزدیک سه سال است که مالیات‌هایی فراتر از توان کتابفروشان برای آنها در نظر گرفته می‌شود در حالی که متوسط فروش روزانه کتابفروش‌های ۱۰۰۰ افغانی یا ۲۵۰۰ تومان است که با چنین رقم‌هایی نمی‌توانیم مبلغ مالیات‌های تعیین‌شده را پرداخت کنیم.

مدیر انتشارات «عرفان» با اشاره به اینکه آن دسته از کتابفروشی‌ها که موفق به پرداخت مالیات نمی‌شوند، به سرعت پلمب می‌شوند، عنوان کرد: رقم مالیات‌های کتابفروشی با دیگر کسب و کارها تفاوتی ندارد در حالی که در کشورهای همسایه چون ایران و پاکستان این میزان مالیات برای کتابفروش‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. شریعتی افزود: در حالی که کتابفروشی جزء مشاغل کم‌درآمد در افغانستان است ولی نزدیک دو ماه است که گمرک هم از محموله‌های ورودی کتاب رقمی بالغ بر ۷/۵ درصد قیمت پشت جلد کتاب دریافت می‌کند در حالی که از سال ۱۳۶۰ تاکنون قانونی داشتیم که طبق آن محموله‌های کتاب شامل حال گمرک نمی‌شدند.

وی با تأکید بر اینکه اجرای قانون دریافت گمرک می‌بدون اطلاع‌رسانی بوده و مصوبه قانونی آن را ارائه نکرده‌اند، تشریح کرد: این تصمیمات تأثیرات منفی بر بازار کتاب افغانستان خواهد داشت، همچنین باعث ورشکستگی کتابفروشان فعلی می‌شود و دیگر هم کسی جرات حضور در این عرصه را پیدا نمی‌کند. رئیس تعاونی ناشران و کتابفروشان افغانستان اضافه کرد: بخش عمده‌ای از واردات کتاب ما وابسته به ایران است، در صورتی که هیچ گمرکی نمی‌دادیم هزینه هر کانتینر که اجاره می‌کردیم نزدیک به ۱۴ میلیون تومان می‌شد که حال با اضافه شدن گمرک این هزینه چند برابر می‌شود.

شریعتی گفت: جامعه فرهنگی در افغانستان جزء اقشار پردرآمد نیستند و نمی‌توانند کتاب‌ها را با قیمت بالا تهیه کنند. ارائه کتاب با تخفیف در کشور ما مرسوم است و تاکنون هم این گونه بوده که مثلاً کتاب‌هایی که از ایران می‌خریدیم تقریباً با همان قیمت خرید به فروش می‌رساندیم ولی با شرایط جدید نمی‌توان این گونه رفتار کرد.

◀ **کاظم‌الح کتابفروشی** ▶

کتاب‌ها را فریاد می‌زند

خبرگزاری مهر با کسی مصاحبه کرده که خودش اسمش را گذاشته داذن کتاب! لابد می‌رسید این دیگر چیست؟ یکی از همان آدم‌هایی است که می‌ایستند یک گوشه‌ای از پیاده‌رو میدان انقلاب و داد می‌زنند کتب درسی، غیردرسی، دانشگاهی بفرما طبقه اول یا زیرزمین یا جالایی از این دست.

مصاحبه غمگینی است. یعنی آدم قشنگ غصه‌اش می‌گیرد. آقای داذن کتاب گفته است حنجره‌اش مشکل پیدا کرده، روزی ۱۵ هزار تومان می‌گیرد و اگر یک روز سر کار نیاید یا کمتر داد بزند صاحب‌کارش به او می‌گوید یکی دیگر را جایش خواهد آورد. گفته فقط وقت می‌کند روزی یک ساعت کتاب بخواند و اگر فقط شش میلیون تومان داشته باشد، خودش یک کتابفروشی راه می‌اندازد چون به تمام چم و خم این کار وارد است اما برای یک وام صد هزار تومانی بانک آنقدر ضامن و چک از او خواسته‌اند که بی‌خیال شده است.

از روزی که این مصاحبه را خوانده‌ام هم‌هاش قیافه یک آدم جلوی چشم‌هایم است؛ آدمی که توی پیاده‌رو جلوی بازارچه کتاب– کمی بالاتر یا پایین‌ترش فرقی نمی‌کند– ایستاده و کتاب‌ها را فریاد می‌زند. آدمی که قرار است به زودی سرطان حنجره‌ای چیزی بگیرد و هر روز با حسرت به مغازه‌دارهایی که کرکره کتابفروشی‌هایشان را بالا می‌زنند، نگاه می‌کند. بعد این حسرت تمام روز گوشه ذهنش است. شاید حتی کمکش هم بکند. چون باعث می‌شود عصبانی شود و احتمالاً بیشتر داد بزند. بعد آخر شب ۱۵ هزار تومان و آن حسرت را برمی‌دارد و با خود می‌برد خانه. جواب سلام زن و بچه‌اش را به زور می‌دهد و ۱۵ هزار تومان که حالا احتمالاً ۱۲،۱۰۰ تومنش مانده، می‌گذارد روی طاقچه‌ای چیزی ولی حسرتش را نه. حسرتش را می‌برد سر سفره و بعد توی رختخواب. فردا که از خواب بلند شود حسرتش هم یک هوا بزرگ‌تر شده، مثل بچه‌اش.

آقای داذن کتاب حرف‌های خوبی هم زده بود. مثلاً گفته بود وقتی سیستم تبلیغ برای کتاب عملاً وجود ندارد آدم‌ها مجبورند دست به چنین شیوهه‌هایی بزنند. گفته مشتری‌شناس است و از ریخت و ظاهر آدم‌ها می‌فهمد که چه جور کتابی را می‌خواهند و اصلاً کتاب‌بخر هستند یا نه.

نکته خوبش اینجااست که آقای داذن به فکر این نیست که وقتی پولدار شد برود بقالی بزند. دنبال این نیست سرمایه‌ای جمع و جور کند و بزند به یک کاری که در ظاهر لاف‌ل درآمذزاست. دلش پی کتاب‌هاست. آقای داذن یک‌تنه سرانه مطالعه را نیم‌میلیمتری هر روز جابه‌جا می‌کند.

دلم می‌خواهد یک روز بروم پیدایش کنم و بهش بگویم بیا این هفته تو به جای من اینجا بنویس. توی این ستون. چون من یک کتابفروش مرفه بی‌دردم که یک مغازه ۱۵متری دارم و دخلم با خرجم رفاقت به خرج داده تا حالا. بگویم توی زندگی‌ما بابت خیلی چیزها از خیلی آدم‌ها شرمندۀ بودم‌ام و البته بابت این شرمندگی توی رودربایستی‌های وحشتناکی گیر کرده‌ام اما با اینکه تصمیم گرفته‌ام دیگر شرمندۀ کسی نباشم چون ظاهراً هیچ کس به خاطر هیچ چیز شرمندۀ من نیست، ناجور شرمندۀ شما هستم و به خاطر همین جان هر کس که دوست دارد بیااید و یک هفته به جای من توی روزنامه بنویسد بلکه هم فرجی شد.

بعد می‌شنیم با خودم فکر می‌کنم اگر به قول همین آقای سیستم تبلیغ کتاب درست و درمان بود این آقا لابد به جای داد زدن توی یکی از دفترهای نشر نشسته بود و داشت برای خودش بروشوری چیزی طراحی می‌کرد یا حداقل داشت بیلبوردهای تبلیغاتی را روی در و دیوار شهر نصب می‌کرد. بیمه‌داشت و حداقل می‌دانست که سر ماه با حقوق چه کار کند. شاید هم اصلاً یکی از کله‌کنده‌های دنیای تبلیغ کتاب می‌شد و کل بازار کتاب را در دست می‌گرفت. البته اگر بازاری برای کتاب وجود داشت. خلاصه که این آقای داذن بدجوری اعصاب را خرد کرده است. مدام یک گوشه ذهنم نشسته و دارد داد می‌زند. اما نه اسم کتاب‌ها را چیزهایی که نه داد زدنش شنی است نه اینجا نوشتنش…

◀ **کهنی** ▶

افزایش ۱۸۰ درصدی داندلود کتاب در آلمان

مرکز فروش کتاب‌های الکترونیک «سباندو» که بزرگ‌ترین مرکز آلمانی زبان فروشنده کتاب الکترونیک به شمار می‌رود، با افزایش ۱۸۰ درصدی داندلود کتاب‌ها در تعطیلات پایان سال ۲۰۱۰ گردش مالی قابل ملاحظه‌ای داشت به گزارش اپینا به نقل از خبرگزاری آلمان، «ورنر کریستین گوگموس» مدیر این مرکز اعلام کرد که شمار داندلود ای بوک‌ها در ماه دسامبر ۲۰۱۰ در مقایسه با زمان مشابه در سال ۲۰۰۹ حدود سه برابر افزایش داشته است. به ویژه روزهای بسیار پر فروش، روزهای پس از تعطیلات شب عید بودند. بیش از همه در اولین جمعه تعطیلات یعنی ۲۵ دسامبر (۴ دی) افزایش فروش کاملاً مشخص شده بود. این امر در مکان‌های بسیار بار قرار گرفتن یک «کتابخوان الکترونیک» در زیر درخت کریسمس که بلافاصله هم سرشار از متن می‌شد، کاملاً مشهود بود. در میان ۱۵ کتاب الکترونیک پرفروش در ایام کسب و کار شب عید آثاری از نویسندگان موفق و سرشناس به چشم می‌خورد که کتاب‌های «روزانه‌های جهان»، «پایه‌های زمین»، «سقوط غول‌ها» نوشته «کن فالت»، «مجموعه چهارجلدی «استفانی مهیر»، «ملکه فکر» نوشته «تتا دورن» و «آلمان خود را از میان می‌برد» نوشته «تیلو ساززین» از این جمله بودند.

◀ **یک نویسنده ۱۰۱ساله در میان نامزدهای جایزه منتقدان کتاب ملی**

نام جان‌تان فرانزن نویسنده تحسین‌شده و پتی اسمیت خواننده قدیمی در فهرست نهایی نامزدهای جایزه منتقدان کتاب ملی به چشم می‌خورد. به گزارش خبرآنلاین، «زادی» نوشته فرانزن سال پیش با تحسین منتقدان مواجه شد. هرچند این کتاب از راهیایی به فهرست نامزدهای جایزه «کتاب ملی» (جایزه‌ای که نویسندگان برنده آن را انتخاب می‌کنند) بازماند، اما موفق شد در فهرست نامزدهای جایزه منتقدان راه باز کند. به جز جیمی گوردن با رمان «سالاری یاقوتی»، هیچ کدام از نامزدهای جایزه «منتقدان کتاب ملی» نامزد جایزه «کتاب ملی» نبودند. این جایزه در شش رشته برقرار می‌شود و هر بخش پنج نامزد دارد (به جز بخش زندگینامه که شش نامزد دارد). نامزدهای این جوایز روز شنبه اعلام شدند و در میان آنها نام‌های معروفی چون فرانزن، کریستوفر هیچنز و پتی اسمیت به چشم می‌خورد. البته این جوایز به نام‌های گمنام بی‌اعتنا نیست. هانس کیلسون نویسنده آلمانی– هلندی یکی از همین نویسندگان قدرتمند کمتر شناخته‌شده است. نویسنده ۱۰۱ساله‌ای که با کتاب «طنزی در کتاب» توجه‌ها را معطوف خود کرده است. در این بین دو انتشارات «رندوم هاوس» و «سیمون و شوستر» بیشترین تعداد کتاب‌های نامزدشده را چاپ کرده‌اند. در بخش رمان، آثار غیرانگلیسی‌زبان که ترجمه آنها به انگلیسی موجود است، شرط لازم برای نامزد جایزه شدن را داشتند. بنابراین علاوه بر «زادی» و «پداری از گروه گون» نوشته جنیفر ایگن دیگر نامزدها از این قرار هستند: «طنزی در کتاب» نوشته کیلسون، «به سوی پایان سرزمین» نوشته دیوید گراسمن و «اسکیمی می‌میرد» نوشته پل موریس ایرلندی. در بخش زندگینامه خودنوشت پتی اسمیت ترانه‌سرا و خواننده با «فقط بچه‌ها»، هیچنز با «هیج–۲۲»، دارین اشتراوس با «بچی از زندگی»، دیوید داو با «تئوبیوگرافی یک اعدام»، رانا ریگو ریزوتو با «هیروشیما در صبح» و «عبراز از کلبه» دروازه مندلیوم» نامزد جایزه شده‌اند. امسال دو جایزه افتخاری نیز اهدا می‌شود؛ پارول سگال و موسسه دالکی از کابو این دو جایزه را می‌گیرند. برندگان این جوایز ۱۰۰ مارس معرفی می‌شوند. این جوایز شامل جایزه نقدی نیست.

◀ **کدام اقتباس اسکار ۲۰۱۰ را صاحب می‌کند؟**

با اعلام اسامی نامزدهای اسکار ۲۰۱۱، پنج فیلمنامه اقتباسی رقابت خود را برای دریافت این جایزه آغاز کرده‌اند. به گزارش اپینا، هر سال در کنار اسکار بهترین فیلمنامه غیراقتباسی، رقابت جالبی نیز میان فیلمنامه‌های اقتباسی می‌وجود می‌آید. در این دوره «آرون سورکین» برای نگارش فیلمنامه اقتباسی فیلم «شبکه اجتماعی» ساخته «دیوید فینچر» که بر اساس رمانی اثر «بن مریز» ساخته شده، نامزد دریافت جایزه است. همچنین فیلمنامه «شهادت واقعی» که توسط برادران کوئن نوشته و کارگردانی شده از دیگر نامزدهای دریافت بهترین فیلمنامه‌های اقتباسی است که بر اساس رمانی اثر «چارلز بوئیتس» به رشته تحریر درآمده است. فیلمنامه «استخوان زمستان» نیز که توسط «دبرا اورتیک» و «آن رولسلی» بر اساس رمان «دانبل وودرل» نوشته شده، در فهرست نامزدهای دریافت بهترین اسکار اقتباسی قرار دارد. فیلمنامه «۱۲۷ ساعت» که توسط «سایمون بیوفری» و «دنی بویل» بر اساس رمان «آرون راستون» نوشته شده نیز دیگر اثر اقتباسی هشتاد و سومین دوره اسکار است. «اسباب‌بازی ۳» نیز آخرین فیلمنامه اقتباسی این فهرست است. مراسم هشتاد و سومین دوره جوایز اسکار ۲۷ فوریه (هشتم آگشت) در کدک تئاتر لنس آنجلس بر گزار می‌شود. جیمز فرانکو بازیگر نقش اول فیلم ۱۲۷ ساعت، و آن هتالوی مجریان این دوره جوایز اسکار هستند.